



Identification of Theological-Moral Harms in Digital Lifestyle

Najmeh Soltaninejad 

Department of Islamic Education, Farhangian University, Yazd,
Iran. najmeh.soltani8@gmail.com

Abstract

The purpose of the present research is to identify theological-moral harms resulting from digital lifestyle. It is a qualitative study conducted by semi-structured interviews with a sample consisting of 10 university and seminary professors, counselors and judges in a family court, as well as 20 members of families suffering from digital lifestyle who had referred to a family court. The results showed that access to immoral information, not pursuing theological and moral issues related to children, lack of communication between parents and children, doubt in religious beliefs, and uncertainty in following religious rules lead to some harms such as identity crisis, decline of religious beliefs, social isolation, and weakness of religious, moral, and national values. Comparison between interview results with experts and families revealed that some new aspects of theological and moral harms as a result of digital life style are being created in families and their children which can be summarized as follows: theological-moral consequences from the view of experts: spreading fake and unreal content, teaching unethical concepts and giving inappropriate information, lack of attention to moral issues, new life style, changing the belief and mentality of teenagers, lack of a comprehensive cultural plans; moral and social harms from the view of families: identity crisis, decline of religious beliefs and norms, addiction to cyber space, and social isolation.

Keywords: Digital Lifestyle, Moral Harms, Theological Harms, Family, Cyber Space, Identity, Religious Beliefs, Children Training.

Received: 2023/06/27; **Received in revised form:** 2023/07/17; **Accepted:** 2023/07/22; **Published online:** 2023/07/23

How To Cite: Soltaninejad, N. (2023). Identification of Theological-Moral Harms in Digital Lifestyle. *Research Quarterly of Islamic Education and Training*, 4(3), 105-126. <https://doi.org/10.22034/riet.2023.14594.1193>

Publisher: Farhangian university

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Article type: Research





شناسایی آسیب‌های اعتقادی - اخلاقی در سبک زندگی دیجیتال

نجمه سلطانی نژاد 

گروه معارف و تربیت اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، یزد، ایران.
najmeh.soltani8@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی آسیب‌های اعتقادی - اخلاقی ناشی از سبک زندگی دیجیتال بود. این پژوهش از نظر نوع، کیفی است که به کمک مصاحبه نیمه ساختاریافته در میان نمونه‌ای متشکل از ۱۰ نفر از اساتید دانشگاه، حوزه، مشاورین و قضات دادگاه خانواده و همچنین ۲۰ نفر از اعضای خانواده‌های آسیب دیده از سبک زندگی دیجیتال که در دادگاه خانواده حضور داشتند، انجام شد. نتایج نشان داد که دستیابی به اطلاعات غیراخلاقی، پیگیر نبودن مسایل اعتقادی و اخلاقی فرزندان، کاهش زمان ارتباط والدین با فرزندان، تردید در عقاید مذهبی و تزلزل در پیروی از اوامر دین، زمینه‌ساز بروز آسیب‌هایی چون بحران هویت، زوال باورهای مذهبی، انزوای اجتماعی و تضعیف ارزش‌های دینی، اخلاقی و ملی شده است. مقایسه نتایج مصاحبه با خبرگان و خانواده‌ها نشان داد که ابعاد جدیدی از آسیب‌های اعتقادی و اخلاقی ناشی از سبک زندگی دیجیتال در بین خانواده‌ها و فرزندان آنها وجود آمده است که به صورت تجمیع می‌توان آنها را در قالب آسیب‌هایی بدین شرح بیان کرد: آثار و پیامدها در بعد اعتقادی - اخلاقی از دیدگاه خبرگان عبارت است از: انتشار مطالب دروغ و غیرواقعی، آموزش غیرفرهنگی و اطلاع‌رسانی نامناسب، کاهش توجه به مسائل اخلاقی، سبک زندگی نو، تغییر باور و ذهنیت نوجوانان و نبود برنامه جامع فرهنگی؛ آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی از دیدگاه خانواده‌ها در قالب بحران هویت، زوال هنجار و باورهای مذهبی، اعتیاد به فضای مجازی و انزوای اجتماعی.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی دیجیتال، آسیب‌های اخلاقی، آسیب‌های اعتقادی، خانواده، فضای مجازی، هویت، باورهای مذهبی، تربیت فرزندان.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۶؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۳۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱
استناد به این مقاله: سلطانی نژاد، نجمه (۱۴۰۲). شناسایی آسیب‌های اعتقادی - اخلاقی در سبک زندگی دیجیتال. پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۴(۳)، ص ۱۰۵-۱۲۶. <https://doi.org/10.22034/riet.2023.14594.1193>
ناشر: دانشگاه فرهنگیان نوع مقاله: پژوهشی <http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir> © the authors



۱. مقدمه

موضوع سبک زندگی در جوامع در حال توسعه همچون جامعه ایران با توجه به ساختار دینی آن، می‌تواند چالش‌های متعددی در پی داشته باشد. از یک طرف شاهد دنیای مدرنی هستیم که در آن ارزش‌هایی همچون مصرف‌گرایی، نسبیت‌اندیشی و فردگرایی حاکم است و نوعی سبک زندگی را تبلیغ می‌کنند که مبتنی بر مصرف‌گرایی است، اما از طرف دیگر دین اسلام با تمسک به حقایق دینی و ایجاد ارزش‌هایی همچون برادری و برابری، بذل و بخشش، قناعت، ایثار و از خودگذشتگی، دیدوبازدید با دوستان و خویشاوندان و مخالفت با هرگونه اسراف، شیوه‌ای از زندگی همسان را ترویج و تبلیغ می‌کند. سخن‌گفتن در باب سبک زندگی، پرسش از دو چیز است مردم چه انجام می‌دهند؟ و چگونه انجام می‌دهند؟ این دو پرسش عرصه‌های مختلف زندگی اعم از فعالیت‌های کاری، سیاسی، اعتقادی، فرهنگی، ارتباطی و سایر امور زندگی را شامل می‌شود که هر یک از این عرصه‌ها سبک زندگی مرتبط با آن عرصه را تعریف می‌کند؛ لذا، عناوینی چون سبک زندگی کاری، سبک زندگی فرهنگی و... شکل گرفته و به همین منوال طیف فعالیت‌های افراد در هر عرصه از زندگی، سازنده سبک زندگی آن‌ها خواهد بود.

مفهوم سبک زندگی دیجیتال در ادبیات علمی و فرهنگی بشر مقوله نسبتاً جدیدی است که متأسفانه به نظر می‌رسد ادبیات تجربی چندانی در مورد آن وجود ندارد. نقش رسانه‌های نوین، در بهره‌مندی از برخی ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها در نظام تربیتی غیرقابل انکار است. «پرورش استعداد‌های افراد تا حداکثر ظرفیت و شناسایی توانمندی‌های خلاق افراد، افزایش فرصت‌های آموزشی و یادگیری دیجیتال، الکترونیکی و اینترنتی، ایجاد ارتباط بین یادگیرندگان صرف‌نظر از موقعیت مکانی آنان (حذف محدودیت‌های کلاس درس)، گسترش عدالت آموزشی (در دسترس قرار گرفتن بهترین معلمان در هر کجا و در هر زمان)، امکان دسترسی فوری به مقادیر بی‌شمار فنون و منابع یادگیری نوشتاری، دیداری و شنوایی، توجه به مفهوم سواد فرهنگی یا سواد جهانی و انتقال مفاهیم و ارزش‌های مشترک بشری، رشد هویت شخصی و گسترش تعلق گروهی در بین متریبان، تعامل بیشتر معلمان با متریبان (ایفای نقش تسهیل‌گری و هدایت‌کنندگی معلم)، افزایش تعهد سازمانی و مشارکت بین کارکنان، مشارکت فعالانه افراد در خلق معانی و توانایی تصمیم‌گیری درباره مسیرهای یادگیری خود، تقویت میزان دانش، توانمندی و آگاهی معلمان، غیرمتمرکز کردن برنامه درسی در سطح محلی و مدرسه‌ای، استفاده از یادگیری مشارکتی به‌عنوان یکی از استراتژی‌های اصلی یادگیری، ورود مدل‌های جدید نظارت در عرصه تربیت، تبادل دانش و اندیشه با استفاده از تکنیک‌های شبیه‌سازی، سناریوسازی و ایفای نقش با تأکید بر یادگیری فعال، گسترش فرهنگ خودآموزی، تداوم‌آموزی، از هم‌آموزی و به هم‌آموزی و دادن بازخوردهای متقابل، درک بهتر دین و معرفی مناسب‌تر آن در فضای جدید،

تمرین یادگیری مستمر برای پاسخگویی مناسب به نیازهای زندگی» (مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص ۱۸۱)؛ همه و همه بیانگر کارکرد رسانه در ایجاد نگرش و بینش صحیح در افراد جامعه است. نزدیک‌ترین واژه به سبک زندگی «شیوه زندگی» است. هر چند «شیوه زندگی» مفهومی کلی‌تر از سبک زندگی است و بیانگر گرایش‌ها، ارزش‌ها، عادت‌ها، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی و... فرد یا گروه است که باهم طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را شکل می‌دهند» (حسنی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۳۴).

آنچه مسلم است اینکه، امروزه سبک زندگی، بازیگر مهمی در زندگی مردم است چرا که به قدرت تشخیص و انتخاب فرد یا گروه فعلیت می‌بخشد و سطحی‌ترین لایه‌های زندگی را به عمیق‌ترین لایه‌های آن پیوند می‌زند. سازمان بهداشت جهانی، سبک زندگی را از طریق زندگی بر اساس الگوهای مشخص و قابل تعریف رفتاری می‌داند که از تعامل بین ویژگی‌های شخصیتی، برهم‌کنش روابط اجتماعی، شرایط محیطی و موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی حاصل می‌شود (اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۳).

براساس آنچه بیان شد، بخش بزرگی از قابلیت‌ها و ارتباطات ما، وابسته به دنیای دیجیتال است. افراد در این دنیا گفتگو، مطالعه، خرید، بازی و حتی تکالیف مدرسه انجام می‌دهند. در این بین بزرگ‌ترها از بچه‌ها گله دارند؛ هر چند خودشان هم به‌گونه‌ای دیگر درگیر هستند، ولی می‌خواهند بچه‌هایشان را بهتر تربیت کنند. غافل از این که بچه‌هایی که با این دنیا بزرگ شده‌اند، حال و هوای دیگری دارند. مرزهای دنیای دیجیتال و دنیای واقعی برای آن‌ها به‌سختی قابل‌شناسایی است. واقعاً معلوم نیست کدام واقعی‌تر است؛ انگار این دو دنیا در هم گره خورده‌اند (سهیلی آزاد، ۱۳۹۷، ص ۶). آنچه مهم است این که خانواده‌ها باید مدیریت کردن را یاد بگیرند. در صورتی که بتوان، توانایی استفاده صحیح از آن را در خود پرورش داد این ابزارها می‌تواند نردبانی برای رشد باشد، دست ما را بگیرد و بالاتر ببرد. در این نوشتار مراد از پرداختن به ساحت اعتقادی - اخلاقی سبک زندگی دیجیتالی، بیان رشد و تقویت مرتبه قابل‌قبولی از جنبه دینی در زندگی افراد است و شامل همه تدابیر و اقداماتی می‌شود که جهت پرورش ایمان و التزام آگاهانه و اختیاری اعضای جامعه نسبت به مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، اعمال و صفات اعتقادی - اخلاقی صورت می‌پذیرد. مسئله اصلی پژوهش این است آسیب‌های اعتقادی - اخلاقی ناشی از سبک زندگی دیجیتالی در جامعه چیست؟

۲. مرور ادبیات نظری

۲-۱. مرزهای دنیای دیجیتال

سبک زندگی امروز مردمان روزگار ما متأثر از انقلاب ارتباطات است. فناوری اطلاعات زمینه‌ساز

ایجاد سبک زندگی دیجیتال برای انسان امروز شده است. رسانه‌های دیجیتال با تبلیغ و الگو نمایی جذابیت‌ها و قابلیت‌های خود، پوشش‌های متنوع و پر زرق‌وبرقی را پیش روی کاربران قرار داده است؛ به‌گونه‌ای که خواسته یا ناخواسته مشارکت آن‌ها را برای همانندسازی و همسان‌پنداری با عناصر و نقش‌های ارائه شده در فضاهای مجازی در پی داشته است. امکانات ارتباطی وسیع و پدیده‌ای که اینترنت و شبکه‌های ارتباطی در دنیای مجازی در اختیار اعضای خانواده‌ها قرار داده، زمینه‌ساز تغییر و تحولات سریع در نحوه و سبک زندگی در بین خانواده‌های ایرانی شده است. در واقع می‌توان گفت پیشرفت سریع تکنولوژی، حتی منجر به حذف تدریجی برخی از ابزار متداول در زندگی روزمره نسل‌های قبلی شده که از منظر دسترس نسل‌های جدیدتر به تدریج کنار رفته (نظیر نامه‌نگاری کاغذی، بایگانی دفتری، استفاده از عکس‌های مقوایی و آلبوم‌های کاغذی سنتی) و امروزه جایگزین آن‌ها، اشکالی نوین از شیوه‌های تبادل پیام تبریک همچون کارت‌های تبریک اینترنتی شده است. در صحنه روابط اجتماعی نیز بسیاری از ارتباطات و تعاملات چهره‌به‌چهره و مستقیم با انواعی از دیدارها و تبادل پیام‌های دوستی و معاشرت در دنیای مجازی جایگزین شده است تا آنجا که برای جبران ضعف انعکاس احساسات از پس مانیتورهای کامپیوتر یا موبایل‌ها، افراد متوسل به ردوبدل کردن نمادهای دیداری و صورتک‌های تعبیه شده برای جایگزینی حرکات چهره و شکل‌های نوینی از تبادل پیام‌های غیرکلامی شده‌اند» (احمدنیا، ۱۳۹۶، ص ۲۴).

از جمله گروه‌هایی که از راه تولید محتوا و انتشار آن در فضای مجازی مخصوصاً شبکه اینستاگرام با مخاطبان خود ارتباط برقرار کرده؛ اثرات و نتایج فعالیت آن‌ها بر سبک زندگی و رفتارهای اجتماعی مردم به وضوح قابل مشاهده است؛ بلاگرها هستند که بخش قابل توجهی از این افراد را بانوان تشکیل می‌دهند. خانم‌هایی که از همان خانه و محل زندگی‌شان از طریق بلاگری و تولید محتوا کسب درآمد می‌کنند. نتایج حاصل از بررسی حوزه فعالیت ۱۰۰ بلاگر خانم پرمخاطب ایرانی، بیانگر آن است که ۳۹٪ تلاش بلاگرها برای ایجاد تغییرات در نظام ارزشی مخاطبان، متوجه سبک زندگی خانواده‌ها بوده است. مهم‌ترین مؤلفه‌های سبک زندگی که بلاگرها در نوع و کیفیت آن تأثیر دارند شامل موارد زیر است: شیوه تغذیه، نوع پوشاک و پیروی از مد (خودآرایی)، نوع صحبت کردن و ادبیات گفتاری، دکوراسیون، معماری و اثاثیه (نوع مسکن)، نوع وسیله نقلیه شخصی، شیوه‌های گذران اوقات فراغت، سبک مسافرت، ژست‌های جدید و رفتارهای حاکی از نجیب‌زادگی یا دست‌ودلبازی و... سبک تعاملات اجتماعی.

بنابراین «سبک زندگی، فشن مد و زیبایی» بیشترین توجه را در میان بلاگرهای خانم دارد. بلاگرهایی که بیشترین تأثیر را در حوزه بلاگری دارند، فعالیتشان محور طنز، زیبایی و سبک زندگی را شامل می‌شود.

بلاگرها تأثیر زیادی بر تولید فرهنگ و تغییر سبک زندگی مخصوصاً در میان خانم‌ها دارند؛ آن‌ها به دلیل نفوذ زیاد در لایه‌های مختلف اجتماعی جامعه، قدرت ایجاد تغییر در سبک زندگی، نوع تغذیه، نوع پوشاک، شیوه گفتار و تعامل اجتماعی و... را دارند» (بولتن آماری تحلیلی رهنما، ۱۴۰۰، ص ۳۶-۲۵). لذا همگام با تحولات فرهنگی اجتماعی در دهه‌های اخیر و ورود فناوری‌های نوین ارتباطی و شکل‌گیری الگوهای ارزشی، نگرشی و رفتاری، تأثیرات فردی و اجتماعی مهمی بر خانواده گذاشته به گونه‌ای که هویت‌یابی آن را با چالش‌های بسیاری روبه‌رو نموده است.

نتایج پژوهش شورای انقلاب فرهنگ‌ی بیانگر ظرفیتی بالقوه در عرصه فضای مجازی است. ۹۲/۸ درصد از جامعه آماری از اینترنت استفاده می‌کنند؛ این امر ضرورت برنامه‌ریزی صحیح و اثربخش مسئولان به منظور استفاده صحیح مردم از اینترنت را به خوبی نشان می‌دهد. حدود ۹۴ درصد زنان و ۹۲ درصد مردان به صورت روزانه از اینترنت و ۷۳ درصد مردان و زنان از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. حدود ۶۰ درصد افرادی که از اینترنت استفاده می‌کنند در رده سنی ۱۹ تا ۲۹ سال هستند (مرآتی، ۱۳۹۸). این آمار بیانگر آن است که هر گونه برخورد نامناسب یا سهل‌انگاری و غفلت از مسئله سبک زندگی می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره جامعه وارد کند. منشأ ایجاد این آسیب‌ها علاوه بر آنچه ذکر شد می‌تواند در نشناختن سه موضوع مهم باشد؛ نخست عدم شناخت لازم از ویژگی خانواده‌های ایرانی و زمینه‌های آسیب‌پذیری آنها؛ دوم عدم شناخت کافی از آسیب‌های سبک زندگی دیجیتال و سوم عدم شناخت درست از نیازهای به حق خانواده‌ها و برآورده کردن آن‌ها.

بدون شک سبک زندگی دیجیتالی در کنار فوایدی که دارد؛ آسیب‌هایی نیز به جوامع وارد کرده است. نقش رسانه‌های نوین، در بهره‌مندی از برخی ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها در نظام تربیتی غیرقابل انکار است. «پرورش استعدادها و افراد تا حداکثر ظرفیت و شناسایی توانمندی‌های خلاق افراد، افزایش فرصت‌های آموزشی و یادگیری دیجیتالی، الکترونیکی و اینترنتی، ایجاد ارتباط بین یادگیرندگان صرف نظر از موقعیت مکانی آنان (حذف محدودیت‌های کلاس درس)، گسترش عدالت آموزشی (در دسترس قرار گرفتن بهترین معلمان در هر کجا و در هر زمان)، امکان دسترسی فوری به مقادیر بی‌شمار فنون و منابع یادگیری نوشتاری، دیداری و شنوایی، توجه به مفهوم سواد فرهنگی یا سواد جهانی و انتقال مفاهیم و ارزش‌های مشترک بشری، رشد هویت شخصی و گسترش تعلق گروهی در بین متریبان، تعامل بیشتر معلمان با متریبان (ایفای نقش تسهیل‌گری و هدایت‌کنندگی معلم)، افزایش تعهد سازمانی و مشارکت بین کارکنان، مشارکت فعالانه افراد در خلق معانی و توانایی تصمیم‌گیری درباره مسیرهای یادگیری خود، تقویت میزان دانش، توانمندی و آگاهی معلمان، غیرمتمرکز کردن برنامه درسی در سطح محلی و مدرسه‌ای، استفاده از

یادگیری مشارکتی به‌عنوان یکی از استراتژی‌های اصلی یادگیری، ورود مدل‌های جدید نظارت در عرصه تربیت، تبادل دانش و اندیشه با استفاده از تکنیک‌های شبیه‌سازی، سناریوسازی و ایفای نقش با تأکید بر یادگیری فعال، گسترش فرهنگ خودآموزی، تندآموزی، از هم‌آموزی و به هم‌آموزی و دادن بازخوردهای متقابل، درک بهتر دین و معرفی مناسب‌تر آن در فضای جدید، تمرین یادگیری مستمر برای پاسخگویی مناسب به نیازهای زندگی» (مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص ۱۸۱)؛ همه بیانگر کارکرد رسانه در ایجاد نگرش و بینش صحیح در افراد جامعه است.

براساس آنچه بیان شد بخش بزرگی از قابلیت‌ها و ارتباطات ما، وابسته به دنیای دیجیتال است. افراد در این دنیا گفتگو، مطالعه، خرید، بازی و حتی تکالیف مدرسه را انجام می‌دهند. «در این بین، بزرگ‌ترها از بچه‌ها گله دارند؛ هر چند خودشان هم به‌گونه‌ای دیگر درگیرند، ولی می‌خواهند بچه‌هایشان را بهتر تربیت کنند. غافل از اینکه بچه‌هایی که با این دنیا بزرگ شده‌اند، حال و هوای دیگری دارند؛ مرزهای دنیای دیجیتال و دنیای واقعی برای آن‌ها به‌سختی قابل‌شناسایی است. واقعاً معلوم نیست کدام واقعی‌تر است؛ انگار این دودنیا در هم‌گره‌خورده‌اند» (سهیلی آزاد، ۱۳۹۷، ص ۶). آنچه مهم است این که خانواده‌ها باید مدیریت کردن را یاد بگیرند. در صورتی که بتوان، توانایی استفاده صحیح از آن را در خود پرورش داد این ابزارها می‌تواند نردبانی برای رشد باشد، دست ما را بگیرد و بالاتر ببرد.

سبک زندگی دیجیتالی، خرده‌فرهنگ نوجوانان و جوانان را تحت تأثیر خود قرار داده است و در عین حال، موجب بروز نگرانی‌هایی در میان والدینی که به واسطه عدم بهره‌مندی از سواد رسانه‌ای مدرن از دنیای نسل جوان دور افتاده‌اند شده است. با توجه به گسترش روزافزون شکاف نسلی در شرایط عدم امکان گفت‌وگو یا مفاهیم با نسل جدید، نگاه و نگرش منفی در میان والدین به رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی از طریق کاهش زمان ارتباط والدین با فرزندان و ایجاد افزایش زمان ارتباط با دوستان زمینه تأثیرپذیری بیشتری از همسالان را در نوجوانان موجب شده است (احمدنیا، ۱۳۹۶، ص ۲۷؛ به نقل از: باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۱).

وابستگی خانواده‌ها به سبک زندگی دیجیتالی امروز در کشور ایران، یکی از مشکلاتی است که باید برای برطرف کردن آن به دنبال راه‌حل بود. سرزمینی که مهد فرصت‌ها و تهدیدها است. مهد تهدیدها است، به این دلیل که شمار پورنوگرافی و بازدید از سایت‌های غیراخلاقی مرتب در حال افزایش است و روزانه هزاران نفر در اینترنت و به‌تبع آن در محیط واقعی، مورد سوء استفاده و آزار جنسی و مالی و نقض حریم خصوصی قرار می‌گیرند.

به‌واسطه آنکه اینترنت، سبک زندگی مردمان را به سمت دانش و آگاهی بهتر و بیشتر هدایت کرده و

تغییرات زیادی در کسب و کار و آموزش و تبادل اطلاعات میلیاردها شهروند کره زمین ایجاد کرده است (علیزاده، ۱۴۰۰)؛ لذا ضروری است به منظور جهت‌گیری بنیادی براساس دین و آموزه‌های دینی و مبتنی بر معیارهای دینی، تقویت روند دینداری و دین‌ورزی فرزندان ایران زمین مورد توجه قرار گیرد.

در حوزه ارتباطات و رسانه، نظریات انتقادی متعددی نیز مطرح شده است. از جمله دیدگاه ابزارگرایی که تکنولوژی را ابزاری منفعل و خنثی یا بدون ارزش می‌داند. نظریه‌های «مخاطبان فعال» و «همگرایی فرهنگی» و «شبه تعامل رسانه‌ای» در این گروه قرار می‌گیرند. این دیدگاه علی‌رغم نقدهایی که بر آن وارد شده در عمل و رفتار انسانی، همچنان پابرجا است. منتقدین بیان می‌کنند که نمی‌توان تکنولوژی را به ابزارهای صرف تقلیل داد و آن را به مثابه امری تسهیل‌کننده و ابزار و وسیله‌ای در خدمت امری دیگر به شمار آورد. اکثر نظریه‌های انتقادی به تضاد و برخورد علایق در جامعه و شیوه‌هایی می‌پردازند که ارتباطات تسلط یک گروه را بر دیگری تداوم می‌بخشد (لیتل جان، ۱۳۸۴، ص ۵۵).

دیدگاه جبرگرایی معتقد است تکنولوژی ابتدا توسط بشر ایجاد شده؛ اما به تدریج از کنترل انسان خارج شده، مسیر دلخواه خودش را طی می‌کند و آنچه بخواهد با زندگی انسان انجام می‌دهد. جبرگرایان نه تنها تکنولوژی را خنثی نمی‌دانند؛ بلکه آن را علت‌العلل تمامی تحولات اجتماعی تصور می‌کنند که بدون دخالت انسان عامل اصلی تغییرات تاریخ اجتماعی است (امیدعلی و حسینی، ۱۳۹۱، ص ۹۱).

تقلیل‌گرایی، کل‌نگری و شیء‌انگاری از جمله نقدهایی است که به جبرگرایی وارد شده است و وجه اشتراک این نقدها این است که نمی‌توان تکنولوژی را تنها علت و متغیر مستقل تمامی تحولات اجتماعی تاریخی دانست. نمی‌توان عوامل تکنولوژیک را از سایر عوامل اجتماعی جدا کرد تا بتوان آن‌ها را به عنوان علت اصلی تحولات اجتماعی معرفی کرد (همان).

ساخت‌گرایی دیدگاه سومی است که معتقد است رسانه به ما این امکان را می‌دهد که از بن‌بست جبرگرایی تکنولوژیکی و ابزارگرایی بیرون بیاییم طبق این دیدگاه تغییرات تکنولوژی را باید از طریق ارجاع به فعالیت‌های اجتماعی تبدیل کرد. ساخت‌گرایی بر نقش انتخاب‌های انسانی در تعیین بخشی جنبه‌های اجتماعی تکنولوژی تأکید می‌کند (همان، ص ۹۹).

ناتوانی اندیشه ساخت‌گرایی از تشخیص ارتباط تغییرات تکنولوژیک با فرایندهایی فراتر از مطالعه خصوصیات و اعمال گروه‌های مربوط را می‌توان از جمله نقدهای وارد بر ساخت‌گرایی دانست. در جمع‌بندی نظریات ارائه شده می‌توان با استناد به بیان (امیدعلی و حسینی، ۱۳۹۱) اظهار داشت که رویکرد ابزارگرایی در مطالعات مبتنی بر معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی رسانه پذیرفتنی نیست گرچه هنوز در بطن بسیاری از مطالعات و نظریات حوزه ارتباطات دیده می‌شود.

رویکرد جبرگرایی نیز به دلیل سلب هرگونه اختیار و اراده از انسان قابل دفاع نیست. همچنین رویکرد ساخت‌گرایی اجتماعی به سبب اینکه به‌نوعی جبرگرایی اجتماعی و سوگیری ارزشی دچار است نمی‌تواند راهگشای مناسبی باشد؛ لذا به نظر می‌رسد مناسب‌ترین نظریه در خصوص تبیین ماهیت تکنولوژی رسانه‌ها ترکیبی از رهیافت جبرگرایی و ساخت‌گرایی اجتماعی باشد.

همچنین «راکیش^۱» در خصوص نحوه عملکرد رسانه‌ای نوین بر رفتارها و آسیب‌های ناشی از آن، عقیده دارد که هر انسانی نظام بسیار سازمان‌یافته‌ای از عقاید، نگرش‌ها و ارزش‌ها دارد که رفتار او را هدایت می‌کند. عقاید شامل صدها هزار اظهاراتی است که افراد در مورد خود و جهان بیان می‌کنند. عقاید می‌تواند خاص یا عام باشد و بر حسب اهمیت یا مرکزیت نسبت به نفس در آن نظام قرار گرفته‌اند. در بطن هر نظام اعتقاداتی، عقاید سازمان‌یافته‌تر و نسبتاً غیرقابل تغییر هسته آن نظام را تشکیل می‌دهند. در پیرامون (حاشیه) آن نظام، عقاید بی‌اهمیت بی‌شماری نهفته است که می‌تواند به راحتی تغییر کنند. هرچه اعتقادی مرکزی‌تر (اصلی‌تر) باشد مقاومت بیشتری برای تغییر می‌طلبد و این تغییر تأثیر زیادی بر کل سیستم خواهد داشت. به عبارت دیگر، اگر یکی از عقاید مرکزی شما دستخوش تغییر شود، شیوه تفکر آن نسبت به موارد زیادی متحمل تغییرات نسبتاً عمیقی می‌گردد. نگرش‌ها گروهی از عقاید هستند که درباره یک شیء اصلی سازمان می‌یابند و شخص را مستعد رفتار خاصی نسبت به آن شیء می‌کنند. شما صدها هزار عقیده و شاید هزاران نگرش دارید که هر کدام شامل شماری اعتقاد درباره نگرش موردنظر است (لیتل جان، ۱۳۸۴، ص ۳۳۵).

میچل^۲ نیز بر گسترش ارتباطات و شفافیت تعامل، مبتنی بر مقوله بی‌واسطگی تأکید می‌کند وی درباره سرشت درگیری مجازی با جهان می‌گوید: امروزه دسترس‌پذیری دیداری شدت تازه‌ای یافته است. درباره فناوری‌های تصویری و دیداری نوین می‌توان گفت «پنجره‌ای الکترونیکی» را به دست می‌دهند که ما از طریق آن جهان و رویدادهای آن را پیمایش کنیم. درست هم اکنون، هزاران پنجره مشابه در اتاق‌های مهمان‌خانه‌هایی مشابه و گسترده در سراسر جهان باز می‌شود.

بنابراین، می‌توان گفت که در جهان امروز، با فرارسیدن عصر دوم رسانه‌ها، رشد و گسترش وسایل نوین ارتباطی، بهره‌مندی از امکانات و ابزارهای پیشرفته اطلاعاتی، دسترسی به منابع خبری و اطلاعات جدید و... عوامل مهمی برای ایجاد تعامل و ارتباط بین افراد، گروه‌ها و نهادهای گوناگون در عرصه‌های

1. Rakish

2. Mechel

مختلف حیات اجتماعی به وجود آمده‌اند، به طوری که تأثیر این وسایل بر تغییر رفتار اجتماعی و فرهنگی افراد، به نتیجه مثبت و بعضی موارد به عامل منفی و تهدیدکننده می‌انجامد.

۳. پیشینه پژوهش

اهمیت سبک زندگی در ایران در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است که بخش اساسی و حقیقی تمدن و جایگاه والای نظام اسلامی در سند چشم‌انداز توسعه ۱۴۰۴، سبک زندگی است. با توجه به فضای مجازی در افق چشم‌انداز، یکی از مهم‌ترین محورهای سبک زندگی که نیاز به کار علمی، دقیق، حساس و مبتنی بر هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی دارد، سبک زندگی دیجیتال است (اسدی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۶۵). پیشینه سبک زندگی به حیات بشر باز می‌گردد. هر فرد یا گروه اجتماعی که در هر کجای این کره خاکی زندگی می‌کرده‌اند، به زبان امروزی دارای سبک زندگی مختص به خود بودند. «افراد یک جامعه دارای نوع خاصی از رفتار و کنش و طرز فکر و اعتقاد هستند که سبک زندگی و شیوه زیستشان را تشکیل می‌دهد» (تاج‌بخش، ۱۴۰۰، ص ۱۴۰).

نخستین تعریف از سبک زندگی به دهه ۱۹۲۰ میلادی بازمی‌گردد؛ زمانی که ماکس وبر^۱ جامعه‌شناس و اندکی پس از وی آلفرد آدلر^۲ روان‌شناس عبارت سبک زندگی را معرفی نمودند. معادل واژه سبک در زبان عربی اسلوب و در زبان انگلیسی style است (تاج‌بخش، ۱۳۹۹). از منظر گیدنز^۳ (۱۳۸۷) سبک زندگی عبارت است از تلاش برای شناخت مجموعه منظم از رفتارها و فعالیت‌هایی است که اشخاص آن‌ها را انتخاب کرده و کنش آنها در زندگی به واسطه آن‌ها هدایت می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱).

در عصر اطلاعات و ارتباطات، حضور فضای مجازی در حوزه‌های مختلف حیات انسان، ضرورت‌هایی جدید را پیشروی نهادها، ساختارها و تشکیلات اصلی در هر جامعه قرار داده است. دین نیز به‌عنوان یکی از نهادهای دیرپای زندگی بشر از این موقعیت مستثنی نیست و می‌بایست با توجه به شرایط تازه جهان در شکل و ابزار تعامل خود با مخاطبان و جامعه دین‌داران و دین‌باوران بازنگری و بازآفرینی کند. دین و مذهب می‌تواند به کمک فضای مجازی، خود و جامعه مرتبط با خود را به نمایش گذاشته و معرفی کند. از این طریق راه شناخت و تمایز از غیر را هموار نماید. با استفاده از امکانات فضای مجازی، ارتباطی کمتر سلسله‌مراتبی و متصلب با مخاطب امکان‌پذیر شده و اعضای جامعه مذهبی را قادر ساخته

-
1. Max Weber
 2. Alfred Adler
 3. Anthony Giddens

با وا همه و اضطراب کمتری در خصوص ابهامات، شبهات و تردیدهای خود دست به جستجو بزنند و پاسخی را طلب کنند که آرامش را به ذات پرسشگر و جوای حقیقت آن بازگرداند. آنچه در این بین اهمیت دارد، ارائه آموزش‌های لازم از طریق نهادهای پشتیبان و کمکی مثل خانواده، رسانه‌ها و نهادهای آموزشی است تا با افزایش مهارت و سواد رسانه‌ای افراد، خطا در انتخاب شبکه یا کانال مناسب و نوع برخورد و مواجهه با محتوا و مطالب کانال‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی به حداقل برسد و آسیب‌های موجود کاهش یابد (مقدس، ۱۳۹۸، ص ۵۱).

هرچه از عمر فضای مجازی در ایران می‌گذرد، روزبه‌روز به پدیده‌ای به نام «عطش افشاگری» دامن زده می‌شود. پدیده‌ای که عطش عمومی «دانستن آخرین اخبار و اطلاعات» را درنوردیده و به چیزی فراتر از «شهروند خبرنگار»، یعنی پدیده «همه خبرنگاری» انجامیده است. پدیده «همه خبرنگاری» به‌رغم ایجاد تحوّل چشمگیر در عرصه دسترسی به آخرین اطلاعات و اخبار در هر لحظه و در سایه امکان ارتباطات متعامل و گسترده در فضای مجازی، مشکلات عدیده‌ای را نیز به همراه دارد و به معنای کسب بخش قابل توجهی از پیام‌ها و اطاعات و اخبار توسط کسانی است که نه تنها بخش عمده‌ای از آنها کمترین اطلاعی از حقوق مخاطب ندارند، بلکه عده‌ای نیز بدون پایبندی به اصول اخلاقی، هر نوع مطلبی را در فضای مجازی منتشر می‌کنند و علاوه بر سرک‌کشیدن به زندگی افراد مختلف برای ربودن گوی انتشار اخبار تازه، ممکن است فضای مجازی را عرصه خوبی برای انتقام‌گیری‌های شخصی نیز بدانند.

جیمز. اچ. مور^۱ نخستین کسی است که عبارت «اخلاق رایانه» را وضع کرده و این اصطلاح عبارت است از تحلیل ماهیت و تأثیر اجتماعی فناوری رایانه، توجیه و تدوین سیاست‌های متناسب با آن برای استفاده اخلاقی از چنین فن آوری‌ایی. هر جا که انسان قرار باشد با کسی دیگر ارتباط داشته باشد و یک سیستم ارتباطی شکل بگیرد نیاز به اخلاق است که به‌وسیله آن ارتباطات مدیریت شود و به بهترین شکل پیش رفته و بتواند بقای خود را حفظ کند (مهدیانی، ۱۴۰۰، ص ۴۰).

سبک زندگی در دنیایی که مفاهیمی چون اخلاق رایانه ظهور و بروز پیدا می‌کند؛ چگونه بودن افراد را شکل می‌دهد و آن را می‌توان به مجموعه‌ای از رفتارها تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می‌گیرد تا نه فقط نیازهای جاری او برآورده شود؛ بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران مجسم سازد. والدین همیشه به دنبال حس آرامش ذهنی هستند که برای رسیدن به آن تلاش می‌کند، حس امنیتی که فرزندان ما در فضای مجازی به آن نیاز دارند، مهم‌ترین پیامد اخلاق‌مداری در

فضای مجازی است. در فضای مجازی جنبه‌های گوناگون حقوق اخلاقی، مانند حقوق اعضا و جوارح، حقوق خانواده، حقوق جامعه و محیط زیست، دارای مصداق هستند. در حقوق اخلاقی اعضا و جوارح در فضای مجازی، به رعایت حدود شرعی و اخلاقی و به کار نبردن اعضای بدن در راه‌های خلاف موازین اخلاقی توجه می‌شود (کریمی، ۱۳۹۵، ص ۸۶).

در صورت ثبات این رفتارها در شخصیت فرد، سبک زندگی او ناسالم نامیده می‌شوند؛ بنابراین توجه به نیازهای بهداشتی، رفتارهای پرخطر و انحرافات و آسیب‌های اجتماعی نوجوانان از وظایف اساسی دست‌اندرکاران امر بهداشت و درمان و آموزش و پرورش است. عدم توجه به این امر می‌تواند به بروز بیماری‌ها و مشکلات عدیده در آنان منجر شود و کاهش قدرت بهره‌وری و به هدر رفتن سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی برای این گروه عظیم را به دنبال داشته باشد. در رابطه با پیشگیری از رفتارهای پرخطر می‌توان به تأثیر آموزه‌های دینی اشاره کرد. با طبقه‌بندی قوانین ناسالم، می‌توان به اصولی دست‌یافت که در گستره وسیعی، راه دستیابی به زندگی سالم را امکان‌پذیر می‌کند (شکیب و جمالی، ۱۳۹۸، ص ۲).

جهان‌شاهی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی پیمایشی با هدف شناخت تأثیر فناوری و رسانه‌های دیجیتال در توسعه فرهنگ کودک از دیدگاه معلمان و والدین و راهکارهایی برای توسعه فرهنگ کودکان، نشان دادند که فناوری و رسانه‌های دیجیتال، با تغییر تفکر، تأثیر بسزایی در توسعه فرهنگی کودکان دارند. وابستگی کودکان به ابزارهای دیجیتال به ویژگی‌های متمایز گروه‌های کودکان در جوامع مدرن تبدیل شده است؛ زیرا آنها تحت تأثیر فناوری و رسانه‌های دیجیتالی قرار دارند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از نظر والدین و معلمان، مهم‌ترین جنبه تحت تأثیر فرهنگ کودکان، بعد عقلانی و هوشی آنهاست. پس از این جنبه، بعد زیبایی‌شناختی و اجتماعی فرهنگ کودکان بیشترین اثرپذیری را از فناوری رسانه‌های دیجیتال دارد.

اکبری و همکاران (۱۳۹۹)، در تحقیقی کاربردی، با عنوان «بررسی نقش دیجیتالی‌شدن مصرف رسانه‌ای در سبک زندگی شهروندان تهرانی» به روش پیمایشی، نشان دادند که اینستاگرام و تلگرام پرکاربردترین شبکه‌های اجتماعی هستند. همچنین نتایج استنباطی پژوهش نشانگر آن است که بین سبک زندگی و دیجیتالی‌شدن مصرف رسانه‌ای، استفاده از شبکه اجتماعی مجازی و مدت عضویت و میزان وابستگی رابطه معناداری وجود دارد.

عسکری (۱۳۹۸)، در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی آسیب‌های فضای مجازی در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان»، آثار و پیامدهای منفی اینترنت در رابطه با آداب و اخلاق زندگی خانوادگی را مورد بررسی قرار داده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که از جمله پیامدهای مثبت فضای سایبری، آسان‌سازی و سرعت بخشی ارتباطات و تبادل اطلاعات است و از جمله پیامدهای منفی فضای

سایبری از ابعاد گوناگون، می‌توان به آسیب‌های روانی و شخصیتی، آسیب‌های خانواده، و آسیب‌های اخلاقی و فرهنگی اشاره کرد.

بوربور و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی توصیفی، با هدف بررسی تأثیر سواد رسانه‌های دیجیتال بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان عضو تشکیلات متوسطه فرزنانگان متوسطه دوره اول کرج، به روش پیمایشی نشان دادند که سواد رسانه‌های دیجیتال بر تمامی ابعاد مهارت‌های اجتماعی احترام به دیگران، رعایت مقررات، انجام وظیفه و فعالیت گروهی، تحمل‌پذیری دانش‌آموزان عضو تشکیلات فرزنانگان دوره اول متوسطه تأثیر مثبت و معناداری داشته است.

شجاعت و عرفانی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «بررسی آسیب‌های فضای مجازی در تعلیم و تربیت کودکان»، آثار و پیامدهای منفی اینترنت را در رابطه با آداب و اخلاق زندگی خانوادگی مورد بررسی قرار دادند. روش تحقیق توصیفی- تحلیلی بوده و نتایج پژوهش نشان داد که گسترش فضای مجازی اینترنتی آسیب‌های گوناگون در زمینه تعلیم و تربیت کودکان ایجاد کرده است. همچنین آسیب‌های اخلاقی همچون دسترسی آسان به منابع غیراخلاقی، تضعیف باورهای دینی و القای شبهات و تعارض ارزش‌ها و نیز آسیب‌های شخصیتی و آسیب‌های خانوادگی را در پی داشته است.

جعفریان یسار و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی پیرامون «آسیب‌شناسی فضای مجازی و خانواده»، به بررسی پیامدهای فضای سایبر در حوزه‌های راهبردی، فرهنگی، اجتماعی با ذکر فرصت‌ها و تهدیدها پرداخته‌اند. در این تحقیق پدیده‌هایی همچون بازیگری و تغییر هویت، گسترش و تولید ناهنجاری اخلاقی، انزوای واقعی، رفتار اجتماعی شبکه‌ای، تغییر سبک زندگی، اعتیاد مجازی، زندگی دوم، تأثیر بر بنیان خانواده، ترویج بی‌دینی، نقص حریم خصوصی و... به‌عنوان پیامدهای فضای سایبر معرفی شده‌اند.

قربانی و محمدی شکیبا (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «فضای مجازی و خانواده (فرصت‌ها، آسیب‌ها و راهکارها)»، پس از معرفی خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی که سلامت یا بیماری آن می‌تواند تأثیرات عمیق و همه‌جانبه‌ای بر ابعاد گوناگون حیات اجتماعی داشته باشد؛ بررسی آسیب‌های ناشی از تحولات خانواده را امری مهم معرفی کرده‌اند؛ چرا که این تحولات خود منشأ بروز دگرگونی‌های عمیق و اساسی در نوع روابط و ارزش‌های خانوادگی هستند که با ظهور فناوری‌های جدید روزبه‌روز پیچیده‌تر و عمیق‌تر می‌شوند. بی‌توجهی به آنها بی‌تردید آسیب‌های جدی به روابط میان اعضای خانواده وارد خواهد کرد؛ آسیب‌هایی مانند تأثیر منفی بر روابط زناشویی و افزایش ناسازگاری‌ها و بالا رفتن احتمال طلاق، افزایش بی‌اعتمادی و دروغ‌گویی بین اعضای خانواده، کاهش ارتباط‌های کلامی و چهره‌به‌چهره و کاهش ارتباط بین والدین و فرزندان و فرار از مسئولیت‌پذیری.

شاملی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «آسیب‌های فردی فضای مجازی از منظر اخلاق اسلامی در دو بُعد جسمانی و روان‌شناختی، افراط در استفاده از اینترنت، انزوای اجتماعی و تحلیل (تضعیف) توان عقل را به‌عنوان آسیب معرفی کرده است. اگرچه در ظاهر، کاربران فضای مجازی کارهای غیراخلاقی، مانند هرزه‌نگاری انجام می‌دهند، با استفاده بیش از حد و نادرست از فضای مجازی دچار آسیب‌های جسمی و روان‌شناختی می‌شوند و نادانسته کاری غیراخلاقی می‌کنند.

زندوانیان و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با هدف شناسایی آسیب‌های فضای مجازی بین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر یزد، نشان دادند که استفاده از فضای مجازی در ابعاد خانوادگی، تحصیلی، سازگاری، اعتقادی- عبادی و روانی دانش‌آموزان تأثیر منفی دارد و بین وسایل، «تلفن همراه» بیشترین و «بازی‌های رایانه‌ای» کمترین آسیب را بر دانش‌آموزان داشته است.

مقدمی و خندان (۲۰۲۲)، در پژوهشی با هدف بررسی دانش فناوری شهروند دیجیتال در ایران و چالش‌های موجود در این زمینه از دیدگاه صاحب‌نظران، نشان دادند که فناوری‌ها می‌توانند تعامل و ارتباط بین افراد حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای را تسهیل کنند.

مرور یافته‌های پژوهش‌های پیشین بیانگر آن است که می‌توان یکی از زمینه‌های آسیب‌پذیری خانواده‌ها، از انتخاب سبک زندگی دیجیتالی را در محور اعتقادی (ضعف ایمان، تردید در عقاید مذهبی و تزلزل در پیروی از اوامر دین) (حقانی و حمیدیان دیوکلاپی، ۱۳۹۹)؛ (قربانی و محمدی شکیب، ۱۳۹۵)؛ و نیز محور اخلاقی (فساد اخلاقی از طریق دستیابی به اطلاعات غیراخلاقی و ارتباط‌های ناسالم) (شجاعت و عرفانی، ۱۳۹۷)؛ زندوانیان و همکاران، ۱۳۹۲؛ شاملی، ۱۳۹۶؛ عسکری، ۱۳۹۸) دانست.

پژوهش‌های انجام شده علی‌رغم پرداختن به جنبه‌های اقتصادی، جسمی، عاطفی و روانی در این نوع از سبک زندگی، کمتر به تبعات ناشی از تغییرات اعتقادی و اخلاقی خانواده‌ها پرداخته‌اند؛ حال آنکه لزوم رسیدگی و مراقبت از اعضای خانواده برای جلوگیری از انواع انحراف‌ها و از جمله آسیب‌های اعتقادی و اخلاقی به حکم آیه شریفه «قوا أنفسکم و أهلیکم ناراً...» (تحریم، ۶)؛ وظیفه والدین است که بیانگر مفهوم قدرت آنان در تأثیرگذاری بر رفتارهای عینی اعضای خانواده است که البته این امر با کمک خود خدای متعال میسر می‌شود.

۴. روش‌شناسی پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر به صورت رویکرد کیفی می‌باشد یعنی با استفاده از رویکرد اکتشافی (ترکیب مطالعه شاخص‌های تحقیقات قبلی و مصاحبه) و شیوه مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و اساتید حوزه خانواده، عوامل نهایی شناسایی می‌شود. این مصاحبه‌ها ابتدا از کارشناسان آشنا به موضوع، اساتید

دانشگاه (۲ نفر از اساتید جامعه‌شناسی و ۲ نفر از اساتید علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه) و اساتید حوزه (۳ نفر از اساتید مبلغی که جلساتی با خانواده‌ها داشته‌اند) و همچنین مشاورین و قضات دادگاه خانواده (۳ نفر) انجام شد. طرح اولیه سؤال‌ها از طریق ادبیات پژوهش و مرور اندیشه صاحب‌نظران، در خصوص تأثیر سبک زندگی دیجیتال بر ابعاد اعتقادی- اخلاقی، به صورت باز پاسخ مطرح شدند. در مرحله بعد، استخراج نظرات خانواده‌هایی که به دلیل آسیب‌های ناشی از سبک زندگی دیجیتال در دادگاه خانواده مراجعه داشته‌اند، بخش دیگری از اطلاعات پژوهش را تشکیل دادند. ملاک انتخاب خانواده‌ها، دچار آسیب شدن آن خانواده و در نهایت ایجاد اختلاف و تشکیل پرونده در دادگاه خانواده بود. نحوه آشنایی با خانواده‌ها از طریق مراجعه به دادگاه خانواده و تهیه فهرست خانواده‌هایی بود که در حوزه فضای مجازی با مشکل روبرو شده‌اند. سپس با تماس با آن‌ها و گرفتن رضایت اولیه، با مراجعه به محل کار، خانه یا دادگاه به مصاحبه با آن‌ها پرداخته شد؛ از آنجایی که این مساله ممکن است منجر به جدایی و فروپاشیدن خانواده شده باشد، لذا سعی شد با طرفین نزاع (زن و شوهر یا والدین و فرزندان) به صورت جداگانه مصاحبه انجام شود تا زوایای پنهان موضوع به خوبی روشن شود؛ در کل با ۱۰ خانواده مصاحبه گردید. مصاحبه‌های کارشناسی مقدم بر مصاحبه با خانواده‌ها انجام شد تا پژوهشگر با نکات کارشناسی مرتبط با موضوع آشنا شده و در مصاحبه با افراد خانواده، از آن نکات بهره‌برد. هر مصاحبه بین ۳۰ دقیقه تا ۴۰ دقیقه در محل کار مشارکت‌کنندگان و همراه با یادداشت‌برداری ضمنی صورت گرفت. در نهایت نیز داده‌های به دست آمده از دو مرحله مصاحبه، با استفاده از روش تحلیل تم، مقوله‌بندی شدند.

جدول ۱- مشخصات خبرگان و خانواده‌های شرکت‌کننده در پژوهش

۱. خبرگان و اساتید دانشگاه و حوزه		
درصد	تعداد	رده شغلی
۱۰	۱	مدیر مدرسه
۲۰	۲	قضات دادگاه خانواده
۳۰	۳	اساتید حوزه علمیه
۲۰	۲	اساتید گروه علوم اجتماعی
۲۰	۲	اساتید گروه روانشناسی
۱۰۰	۱۰	جمع
۲. وضعیت خانواده‌های آسیب‌دیده و مصاحبه شده		
۴۰	۴	بدون فرزند
۴۰	۴	تک فرزند
۲۰	۲	دارای چند فرزند
۱۰۰	۱۰	جمع

۵. سوالات مصاحبه

۱) آثار و پیامدهای سبک زندگی دیجیتال در بعد اعتقادی چیست؟ اولویت آنها کدام است؟

۲) آثار و پیامدهای سبک زندگی دیجیتال در بعد اخلاقی چیست؟ اولویت آنها کدام است؟

همچنین به جهت سنجش اعتبار پژوهش، با صرف زمان کافی، تأیید فرایند پژوهش توسط چندین متخصص، استفاده از دو کدگذار برای کدگذاری چند نمونه مصاحبه جهت کسب اطمینان از یکسانی دیدگاه کدگذاران، و... میزان موثق بودن داده‌های پژوهش به حد قابل قبولی افزایش پیدا کرد. برای حصول اطمینان از انتقال‌پذیری یافته‌های پژوهش، سه متخصص که در پژوهش مشارکت نداشتند، در مورد یافته‌های پژوهش، مورد مشورت قرار گرفتند. به منظور ایجاد اطمینان‌پذیری، جزئیات پژوهش و یادداشت‌برداری‌ها ثبت و ضبط شد. به هدف بالابردن روایی پژوهش، نتایج استخراج شده و مضامین آن به تعدادی از خبرگان بیرونی خارج از پژوهش نشان داده شد.

۶. یافته‌های پژوهش

بررسی داده‌های حاصل از ۱۰ مصاحبه انجام شده با خبرگان و اساتید، سپس کدگذاری و استخراج مضامین متناسب به هر کدام منتج به نتایجی شده است؛ سپس در مرحله دوم این سوالات و مقوله‌ها در قالب مصاحبه نیمه ساختارمند از خانواده‌های آسیب دیده از سبک زندگی دیجیتال که در دادگاه خانواده تشکیل پرونده داده‌اند، پرسیده شده و با کدگذاری متن مصاحبه‌های آنها به جمع‌بندی و شناسایی مقولات و آسیب‌های پرداخته شد در این مرحله نیز به مصاحبه با ۲۰ نفر از والدین یا فرزندان آسیب دیده در این قضیه پرداخته شد.

شایان ذکر است که کدهای احصاء شده، بالغ بر ۲۶۵ کد بود که به علت حجم بالای مصاحبه‌ها (۵۲۰۹ واژه و ۱۷ صفحه متن) تنها به آوردن گزیده‌ای از متن مصاحبه‌ها اکتفاء شده است؛ در این قسمت به صورت نمونه متن دو تا از مصاحبه‌ها درباره دیدگاه خبرگان درباره آسیب‌های اعتقادی- اخلاقی سبک زندگی دیجیتال و نحوه کدگذاری آنها آورده شده است:

متن مصاحبه اول: سبک زندگی دیجیتال آثار و پیامدهای منفی در بُعد اعتقادی و اخلاقی دارد چون بعضی از مطالب که در فضای مجازی منتشر می‌شود، بدون استناد و مرجع می‌باشند که تأثیر بدی در اخلاق و اعتقاد افراد می‌تواند داشته باشند در صورتی که درخصوص مسائل اعتقادی، فرد باید تحقیق و تفحص کند تا خودش مسائل اعتقادی را از مراجع معتبر دریافت نماید و همچنین درخصوص مسائل اخلاقی نیز هر فردی نیاز به استناد و راهنما دارد که مسائل اخلاقی را به او گوشزد نماید و فضای مجازی صرفاً مطالبی را در حد شبهه مطرح می‌نماید.

با توجه به متن فوق می‌توان کدهای اولیه را بدین شرح شناسایی کرد: داشتن آثار و پیامدهای منفی، نشر مطالب بدون استناد و مرجع، تأثیر بد در اخلاق و اعتقاد افراد، تحقیق و تفحص، گوشزد مسائل اخلاقی، طرح شبهات در فضای مجازی.

متن مصاحبه دوم: سایت‌های غیراخلاقی که مرتباً در حال افزایش است می‌تواند باعث به انحراف کشیدن بسیاری از افراد خصوصاً جوانان و نوجوانان شود. افزایش ارتباطات مجازی باعث کاهش ارتباطات واقعی و روزمره افراد شده است، و افراد را از یکدیگر دور کرده است که این باعث افزایش احساس تنهایی می‌شود و حتی در خیلی از موارد عدم ارتباط مناسب و تعاملات بین فردی می‌تواند زمینه‌ساز بیماری‌های روانی چون افسردگی گردد.

با توجه به متن فوق می‌توان کدهای اولیه را بدین شرح شناسایی کرد: افزایش سایت‌های غیراخلاقی، به انحراف کشیدن افراد خصوصاً جوانان و نوجوانان، افزایش ارتباطات مجازی، کاهش ارتباطات واقعی و روزمره افراد، دور کردن افراد با یکدیگر، افزایش احساس تنهایی، عدم ارتباط مناسب و تعاملات بین فردی، زمینه‌ساز بیماری‌های روانی همچون افسردگی.

سوال مربوطه: سبک زندگی دیجیتال چه آثار و پیامدهایی در بعد اعتقادی- اخلاقی می‌تواند در پی داشته باشد؟

داشته باشد؟

نتایج مربوط به کدگذاری محوری در ادامه و در قالب جداول زیر آورده شده است:

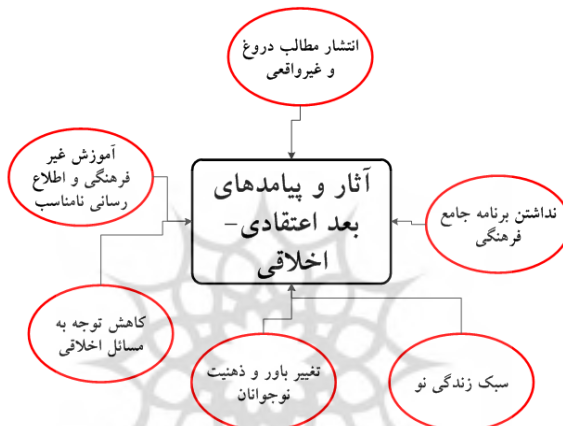
الف) آسیب‌های شناسایی شده طی مصاحبه با خبرگان

جدول ۲- آثار و پیامدها در بعد اعتقادی- اخلاقی

مضمین/ تم اصلی	تم‌های اولیه
انتشار مطالب دروغ	انتشار مطالب در فضای مجازی، نشر مطالب بدون استناد و مرجع، نبود تحقیق و تفحص، تشخیص دروغ از راست، بمباران اطلاعاتی انسان‌ها
آموزش غیرفرهنگی و اطلاع‌رسانی نامناسب	استفاده همراه با گاهی، همراه با اطلاع‌رسانی، همراه آموزش‌های درست، آموزش کودک و نوجوان، آموزش فرهنگ ایرانی و اسلامی، آموزشی مبتنی بر ویژگی‌های زندگی دیجیتالی
کاهش توجه به مسائل اخلاقی	تأثیر بد در اخلاق و اعتقاد افراد، نبود توجه مسائل اخلاقی، نیاز به آموزش و پرورش در بُعد اخلاق، سقوط اعتقادات و سقوط اخلاق
سبک زندگی نو	سبک زندگی متناسب با زمان، دسترسی خانواده‌ها به ابزار و تکنولوژی، خلق معنای جدیدی در نظام ارزشی، اخلاقی و بینشی، معنای زندگی ساختنی

مضامین / تم اصلی	تم‌های اولیه
تغییر باور و ذهنیت نوجوانان	رفع ابهامات نوجوانان، تغییر ذهنیت‌های منفی، معنای زندگی ساختنی
نبود برنامه جامع فرهنگی	داشتن برنامه‌های بلندمدت، ساخت برنامه همراه با کارشناسی، استفاده بدون فکر، بدون برنامه، بدون دوربینی، بدون آینده‌نگری

با توجه به مفاهیم و مضامین شناسایی شده شبکه مضامین آثار و پیامدها در بعد اعتقادی- اخلاقی ترسیم شده است:



شکل ۱- شبکه مضامین آثار و پیامدها در بعد اعتقادی- اخلاقی

طبق مفاهیم شناسایی شده در جدول شماره (۲) و شبکه مضامین آثار و پیامدها در بعد اعتقادی- اخلاقی در شکل (۱) مشخص شد که ۶ مضمون کلی وجود دارد:

- ♦ انتشار مطالب دروغ و غیرواقعی
- ♦ آموزش غیر فرهنگی و اطلاع رسانی نامناسب
- ♦ کاهش توجه به مسائل اخلاقی
- ♦ سبک زندگی نو
- ♦ تغییر باور و ذهنیت نوجوانان
- ♦ نبود برنامه جامع فرهنگی.

ب) آسیب‌های شناسایی شده طی مصاحبه با خانواده‌ها

در این مرحله به استخراج نظرات خانواده‌هایی که به دلیل آسیب‌های ناشی از سبک زندگی دیجیتالی در دادگاه خانواده مراجعه داشته‌اند، پرداخته شد:

جدول ۳- کدگذاری آسیب‌های ناشی از سبک زندگی دیجیتالی از دیدگاه خانواده‌ها

مضامین اصلی	تم‌های ثانویه	تم‌های اولیه
آسیب‌های اخلاقی و اعتقادی	بحران هویت	آسیب‌های اخلاقی و شناختی از قبیل تعارض ارزش‌ها، بحران هویت در اختلال، ارتباطات نامتعارف در میان نوجوانان، انزوای اجتماعی.
	زوال هنجار و باورهای مذهبی	زوال هنجارها و ارزش‌های متعالی جامعه، نبود اخلاق دیجیتالی، گمنامی در فضای مجازی، به خطر افتادن حریم خصوصی و حقوق افراد جامعه، کاهش سن ورود به دنیای دیجیتال برای کودکان، کم‌رنگ شدن باورهای مذهبی، از خود بیگانگی و روابط تعریف نشده بین افراد.
	اعتیاد به فضای مجازی	اعتیاد به اینترنت، تعلق و سرسپردگی فرد، غرق شدن در فردیت ناخواسته خود، تغییر الگوی فراغت، حضور در کلاس‌های آنلاین و استفاده از گوشی و فضای مجازی، سبک‌های نوین زندگی، اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، منزوی شدن بیشتر در جامعه، تغییر شیوه سپری کردن اوقات فراغت، منزوی شدن کودکان، روی آوردن به بازی‌های کامپیوتری، ارجاع‌دهی کاذب.
	انزوای اجتماعی	تخریب روابط اجتماعی، انزوای اجتماعی واقعی در بین اعضای خانواده، کاهش تعاملات کاربر در فضای واقعی خانواده، تکنولوژی زدگی اعضای خانواده.

با توجه به نتایج مصاحبه‌های انجام شده با خانواده‌های آسیب دیده، مشخص شد که آسیب‌های اخلاقی در قالب بحران هویت، زوال هنجار و باورهای مذهبی، اعتیاد به فضای مجازی و انزوای اجتماعی بروز می‌کنند.

۷. نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال شناسایی آسیب‌های اخلاقی و اعتقادی سبک زندگی دیجیتالی انجام شد که بدین منظور به مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۰ نفر از قضات دادگاه خانواده و اساتید دانشگاهی و حوزوی و همچنین با ۲۰ نفر از اعضای خانواده‌های درگیر مشکلات فضای مجازی مصاحبه شد که از این تعداد ۱۵ نفر را والدین و ۵ نفر را فرزندان این خانواده‌ها تشکیل می‌دادند. سپس متن مصاحبه‌ها با روش تحلیل تم کدگذاری شد و آسیب‌های این حوزه احصاء گردید؛ طبق مقایسه نتایج مصاحبه با خبرگان و خانواده‌ها مشخص شد که ابعاد جدیدی از آسیب‌های اعتقادی و اخلاقی ناشی از سبک زندگی دیجیتالی در بین خانواده‌ها و فرزندان آنها بوجود آمده است که به صورت تجمیع می‌توان آنها را در قالب آسیب‌های زیر بیان کرد:

♦ آثار و پیامدها در بعد اعتقادی- اخلاقی از دیدگاه خبرگان عبارت است از: انتشار مطالب دروغ و غیرواقعی، آموزش غیرفرهنگی و اطلاع‌رسانی نامناسب، کاهش توجه به مسائل اخلاقی، سبک زندگی نو، تغییر باور و ذهنیت نوجوانان و نبود برنامه جامع فرهنگی

♦ آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی از دیدگاه خانواده‌ها در قالب بحران هویت، زوال هنجار و باورهای مذهبی، اعتیاد به فضای مجازی و انزوای اجتماعی.

طبق مقایسه آسیب‌های شناسایی شده از دیدگاه خیرگان و خانواده‌های کرمانی می‌توان گفت که تأکید ویژه بر بحث تغییر باور و ذهنیت نوجوانان و سبک زندگی در هر دو مصاحبه دیده می‌شود که این امر به خوبی نشان می‌دهد که سبک زندگی دیجیتال چقدر بر ذهنیت جوانان و نوجوانان و سبک زندگی آنها تأثیر دارد؛ نتایج پژوهش حاضر با تحقیقات عسکری (۱۳۹۸)، شجاعت و عرفانی (۱۳۹۶)، زندواینان و همکاران (۱۳۹۲) و شاملی (۱۳۹۶) هم‌خوانی دارد. عسکری (۱۳۹۸) پیامدهای منفی فضای سایبری را شامل آسیب‌های روانی و شخصیتی، آسیب‌های خانواده و آسیب‌های اخلاقی و فرهنگی دانسته است؛ از دیدگاه شجاعت و عرفانی (۱۳۹۶)، گسترش فضای مجازی اینترنتی آسیب‌های گوناگون در زمینه تعلیم و تربیت کودکان ایجاد کرده است. آسیب‌های اخلاقی همچون دسترسی آسان به منابع غیراخلاقی، تضعیف باورهای دینی و القای شبهات و تعارض ارزش‌ها را در پی داشته است. همچنین جعفریان یسار و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود به آسیب‌شناسی فضای مجازی در حوزه فرهنگی پرداختند و آسیب‌های بازیگری و تغییر هویت، گسترش و تولید ناهنجاری اخلاقی، انزوای واقعی، رفتار اجتماعی شبکه‌ای، تغییر سبک زندگی، اعتیاد مجازی، زندگی دوم، تأثیر بر بنیان خانواده، ترویج بی‌دینی، نقص حریم خصوصی و... به‌عنوان پیامدهای فضای سایبر نام برده‌اند.

در ادامه برای کاهش آسیب‌های اعتقادی و اخلاقی سبک زندگی اقدامات زیر پیشنهاد می‌گردد.

- در برنامه‌های تلویزیونی برای جامعه سنتی و آداب و رسوم آنها اهمیت بیشتری قائل باشیم تا سطح آگاهی کسانی که با اینگونه مراسم و سنن آشنایی ندارند، بالا رود.

- پرداختن به تجملات و استفاده از امکانات و وسایل لوکس در برنامه‌های تلویزیونی و همچنین تبلیغات فضای مجازی باعث می‌شود تا سطح انتظار اعضای خانواده بیش از حد امکانات موجود برود، در نتیجه مشکلات خاصی ایجاد خواهد نمود. تغییر نگاه به زندگی از صرفاً مادی برگرفته از غرب به زندگی مبتنی بر مبانی اسلامی در برنامه‌های تلویزیونی می‌تواند تا حدودی آسیب‌های ناشی از این بخش را پوشش دهد.

- تعیین هدف اصلی زندگی مبتنی بر ایمان و اعتقاد به آخرت و نیز پرهیز از تقلید کورکورانه از غرب با تبیین اهداف غرب در نوع نگاه به زندگی در بین اعضای خانواده.

- توجه بیشتر به ارزش اشتغال بانوان و جایگاه بانوان در اجتماع.

- منابع -

قرآن کریم.

- احمدنیا، شیرین (۱۳۹۶). بررسی جامعه‌شناختی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مناسبات خانوادگی. رهیافت پیشگیری از جرم، پیش شماره ۱، ص ۲۱-۳۴.
- اسدی، حسین و همکاران (۱۳۹۳). رسانه‌های دیجیتال و سبک زندگی. گروه پژوهش و فناوری و سبک زندگی. دانشگاه صنعتی شریف.
- اسماعیل‌زاده، حسن؛ زرنندی، مرجان (۱۴۰۱). مطالعه‌ای جامعه‌شناختی درباره وضعیت آسیب‌های اجتماعی شهرستان خرم‌آباد. مطالعات اجتماعی ایران، ۱۵(۴)، ص ۲۷-۳.
- اکبری، شیماء؛ جعفری، علی؛ سلطانی‌فر، محمد (۱۳۹۹). نقش دیجیتالی شدن مصرف رسانه‌ای در سبک زندگی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تهران. مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره ۳۶، ص ۵۵-۸۰.
- امیدعلی، میثم؛ حسینی، سیدحسن (۱۳۹۱). مروری انتقادی بر مهم‌ترین نظریه‌های تکنولوژی رسانه. مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، ۲(۲)، ص ۳۷-۲۵.
- بوربور، سمیه؛ فقیهی، مهدی؛ یزدان‌پناه، احمدعلی (۱۳۹۷). بررسی اثربخشی سواد رسانه‌های دیجیتالی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان؛ مطالعه موردی دانش‌آموزان تشکیلات فرزندان متوسطه دوره اول. مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه، ۳(۲)، ص ۱-۱۰.
- تأثیر بلاگرهای زن ایرانی بر فرهنگ و سبک زندگی. بولتن تحلیلی رهنما (رصدگر هوشمند شبکه‌های اجتماعی)، ۱۴۰۰، ۳(۱۲).
- تاج‌بخش، غلامرضا (۱۳۹۹). واکاوی سبک نوین زندگی در پساکرونا. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۳۵، ص ۳۴۰-۳۶۰.
- تاج‌بخش، غلامرضا (۱۴۰۰). واکاوی مؤلفه‌های سبک زندگی شهید سلیمانی. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۱)، ص ۱.
- جعفریانی، یسار، حمید؛ خدایاری، ناهید؛ حسن‌زاده، لیلا (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی فضای مجازی و خانواده. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۲(۴)، ص ۱۵-۲۴.
- جهانشاهی، امید؛ تیموری، میشا؛ سیفی دیجوجین، میترا (۱۳۹۹). رسانه‌های دیجیتال و توسعه فرهنگ کودکان از دیدگاه والدین و معلمان. مطالعات ماهواره و رسانه‌های جدید، شماره ۲۲، ص ۹-۱۲۲.
- حسینی، محمدحسین؛ ذکایی، محمدسعید؛ طالبی، ابوتراب؛ انتظاری، علی (۱۳۹۶). مفهوم‌سازی سبک زندگی فرهنگی. جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۱۸(۱)، ص ۲۳-۴۵.
- حقانی، مهسا؛ حمیدیان دیوکلابی، لیلا سادات (۱۳۹۹). شناخت مؤلفه‌های سبک زندگی شهید سپهد قاسم سلیمانی. همایش ملی ادبیات مقاومت، دوره دوم، ص ۴۴۷-۴۹۵.
- زندوانیان، احمد و همکاران (۱۳۹۲). آسیب‌های فضای مجازی بین دانش‌آموزان دختر. مطالعات فرهنگ- ارتباطات، ۴(۲۳)، ص ۲۱۶-۱۹۵.
- سهم شبکه‌های اجتماعی در تضعیف روابط خانوادگی. باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۱. کد خبر: ۳۶۲۷۹۸۸. قابل دسترس در: <http://www.yjc.ir/fa/news/3627988>

- سهیلی آزاد، لیلا (۱۳۹۷). هم‌بازی‌های عصر دیجیتال. تهران: عترت نو.
- شاملی، علی‌اکبر (۱۳۹۶). آسیب‌های فردی فضای مجازی از منظر اخلاق اسلامی. *اخلاق*، ۷(۴۷)، ص ۳۴-۱۱.
- شجاعت، علی؛ عرفانی، محمدنظیر (۱۳۹۷). بررسی آسیب‌های فضای مجازی در تعلیم و تربیت کودکان، *International Multidisciplinary Journal of Pure Life*، ۵(۱۶)، ص ۴۷-۶۴.
- شکیب، زهره؛ جمالی، سمانه (۱۳۹۸). کاربرد آموزه‌های دینی در پیشگیری از رفتارهای پرخطر و برخورداری از سبک زندگی سالم در نوجوانان. *دستاورد‌های نوین در مطالعات علوم انسانی*، ۲(۱۸).
- عسکری، عشرت (۱۳۹۸). *آسیب‌شناسی فضای مجازی در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان*. در: قزوین: سومین همایش ملی روانشناسی، تعلیم و تربیت و سبک زندگی.
- علیزاده، سپیده (۱۴۰۰). سبک زندگی دیجیتالی یعنی چه؟ قابل بازیابی در: <https://rayamag.com/blog>
- قربانی، عزیزالله؛ محمدی شکیبا، عباس (۱۳۹۵). *فضای مجازی و خانواده(فرصت‌ها، آسیب‌ها و راهکارها)*. تهران: مرکز پژوهش و سنجش افکار صدا و سیما.
- کریمی، حسین (۱۳۹۵). حقوق اخلاقی و جایگاه آن در فضای مجازی. *اخلاق*، ۶(۴۶)، ص ۸۸-۷۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). *پیامدهای مدرنیته*. ترجمه محسن ثالثی. تهران: نشر مرکز، چاپ هجدهم، ج ۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). *تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
- لیتل جان، استیفن (۱۳۸۴). *نظریه‌های ارتباطات*. ترجمه سید مرتضی نوربخش و سید اکبر میرحسینی. تهران: جنگل.
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰). شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- مرآتی، عاطفه (۱۳۹۸). آماری از زندگی دیجیتالی در ایران. همشهری آنلاین. قابل دسترس در: <http://www.hamshahrionline.ir/news/460276>
- مقدس، اعظم (۱۳۹۸). فضای مجازی و حقیقتی تاریخی؛ درآمدی بر تعامل دین و فضای مجازی، *Pure Life*، ۶(۱۸).
- مهدیانی، محمدرضا (۱۴۰۰). جایگاه اخلاق در فضای مجازی. *پژوهش و مطالعات اسلامی*، ۳۰(۱۳)، ص ۵۱-۳۹.
- Moghadami, M. & Khandan, M. (2022). Investing of Digital Citizen Science and its Challenges in Iran. *International Journal of Digital Center Management*, 3(5).